

صدایی که خاموش کردند

سید جواد ذبیحی

صدای آشنای سفره های افطار و سحر

سهرین تبریزی

سید جواد ذبیحی در که ای مودن و خواننده دعا‌های مذهبی و آوازهای اصیل ایرانی بود. او پیش از انقلاب به مجالس مذهبی دربار دعوت می‌شد و به همین دلیل پس از انقلاب ۵۷ مورد غضب انقلابیون قرار گرفت. ابتدا نمونه‌های منحصر بفرقی از صدای او در آرشیورادیوی ایران از بین برده شد و برای مدتی نیز زندانی شد. پس از آزادی چند نفر به درب منزل وی رفتند و به بهانه اجرای مراسم نیایش او را با خود بردند و به طرزی فجیع به قتل رساندند.

سید جواد ذبیحی با وجود آن که عمری طولانی را در خدمت مفاهیم و ارزش‌های دین اسلام صرف کرده بود، به شیوه‌ای کاملاً غیر اسلامی به قتل رسید. افراطی‌های مذهبی بر مصداق از ماست که بر ماست کسی را کشتند که سال‌ها با صدای او دینداری کرده بودند. درک آنان از دین آن قدر پایین بود که نمی‌دانستند و یا به ایشان نگفته بودند که مثله کردن بدن انسان ولو اگر کافر باشد، حرام است. به همین دلیل پس از ریز ریز کردن بدن سید جواد، با روزنامه اطلاعات تماس گرفتند و گزارش کار خود را ارائه دادند. علیرضا نوری زاده، روزنامه نگار مقیم لندن که آن زمان در روزنامه اطلاعات کار می‌کرد، در خصوص ماجرای قتل ذبیحی می‌گوید: هر چند گفته می‌شد ذبیحی با رژیم گذشته ارتباطاتی داشته، اما او از جانب بسیاری از روحانیون مهم حمایت می‌شد، در نتیجه وقتی خبر قتل او در روزنامه به دستم رسید، کاملاً غیر مترقبه بود. با دادگاه انقلاب تماس گرفتم، آنها ابراز بی‌اطلاعی کردند. عصر آن روز، نامه‌ای از سوی گروه شاهین به روزنامه رسید که در آن مسئولیت تیور آقای ذبیحی را بر عهده گرفته بودند.

صادق خلخالی رئیس دادگاه انقلاب آن زمان، در کتاب

خاطراتش صریحاً به کشتن سید جواد ذبیحی اعتراف می‌کند.

محسن سازگارا که به فاصله کمی بعد از پیروزی انقلاب، مدیریت تولید برنامه رادیو ایران را به دست گرفت، برخی از تندروی‌های اولیه را به مجاهدین خلقی نسبت می‌دهد که در زمان مدیریت صادق قطب زاده، زمام کار رادیو را در دست گرفته بودند. سازگارا در عین حال از دست‌آورد‌های دوران مدیریت خود به خلق اثر مناجات محمد رضا شجریان (رینای معروف) اشاره می‌کند که امروزه به بخش جذابی ناپذیر سفره افطار و سحر ایرانیان تبدیل شده است. به همین دلیل امروز به جز آثار بی‌کیفیت ضبط شده از روی رادیو و چند کاست موجود نزد شاگردان و دوستداران ذبیحی، اثر با کیفیتی از او در میان نیست. با این وجود

گهگاه رادیو در شب‌های ماه مبارک رمضان بخشی از معدود مناجات‌های او را پخش می‌کند. یکی از شاگردان سید جواد ذبیحی به نام حسین باقری در این باره می‌گوید: عرصه تولیدات موسیقایی در آن زمان بسیار محدود بود و اگر کسی صدایی از ذبیحی دارد همان ضبط صوت‌های قدیمی است که تا امروز مانده است و من تنها دو کاست از آثار او را در خانه دارم.

پدر سید جواد ذبیحی، سید اسدالله ذبیحی در که ای، مداحی از ساکتان روستای درکه واقع در شمال تهران بود. سید جواد ذبیحی نیز از جوانی فینه عربی به سر می‌گذاشت و در مجالس مذهبی تهران و شهرستان‌ها شرکت می‌کرد. با وجود آنکه تحصیلات رسمی نداشت تمام ردیف‌های آوازی را به خوبی می‌شناخت. او از سال ۱۳۳۶ با همکاری داوود

سید جواد ذبیحی

پیرنیا و هنرمندانی چون حسن کسایی، رضا ورزنده، جلیل شهناز، احمد عبادی، مرتضی‌محبوبی، علی

نجویدی، پرویز یاحقی، حسین تهرانی، مهدی خالدی و فرهنگ شریف، وارد عرصه موسیقی غیر مذهبی شد و آوازهای زیبایی را به همراه ساز آنها به یادگار گذاشت. او به همراه ساز آواز نمی‌خواند. بلکه در ابتدا آنها دقایقی بداهه‌نوازی می‌کردند و سپس ذبیحی یک آواز کامل را بدون ساز می‌خواند و در انتها بار دیگر هنرمندان به اجرای موسیقی سازی می‌پرداختند. در سال ۱۳۴۷ مجموعه‌ای از اشعار منتخب توسط وی که در مناجات‌های خود در رادیو ایران می‌خواند در ۱۶۵ صفحه با مقدمه محیط طباطبائی و توسط انتشارات عطایی به چاپ رسید. عنوان آن نغمه‌های آسمانی است. ذبیحی همچون خواجه عبدالله انصاری بر خواندن مناجات‌های فارسی که برای عموم قابل فهم و اثر گذار است تأکید داشت. ۲۹ سال حضور مداوم ذبیحی در رادیو ایران، کارنامه پربراری را برای موسیقی مذهبی ایران به همراه داشت که امروزه بخش اندکی از آن موجود است. از اجرای برنامه گل‌ها و مناجات‌های او در رادیو و مجالس دیگر مذهبی چیزی حدود ۶۰ اثر باقی مانده است. شیوه آوازخوانی و مناجات‌خوانی ذبیحی آشکارا متفاوت بود. وقتی قرار بود در برنامه گل‌ها به همراه سایر هنرمندان، آواز بخواند،

کاملاً در چارچوب ردیف آوازی حرکت می‌کرد و از انواع تحریرها بهره می‌جست. اما در مناجات‌خوانی، رویه دیگری در پیش می‌گرفت. حذف بیشتر تحریرها و تأکید بر شفاف‌خوانی در مناجات‌ها، بی‌آن‌که از جذابیت صدایش بکاهد، این بهانه را از برخی مذهبیون سلب می‌کرد تا او را به صوت غنا متهم نکنند.

آثار سید جواد ذبیحی از منظر پاسداشت زبان فارسی نیز اهمیت زیادی دارند. او با آن‌که به مناجات‌های عربی وقوف کامل داشته ولی بیشتر اثری خود را معطوف به

مناجات‌خوانی به زبان فارسی کرده بود. در واقع می‌توان گفت ذبیحی دنباله‌رو تفکر خواجه عبدا... انصاری بود که هزار سال پیش با سرودن دوبیتی‌های زیبای فارسی، سیر مناجات‌خوانی را از عربی به فارسی برگرداند. مرحوم ذبیحی نیز همانند خواجه عبدا... نیک دریافته بود که واژگان مناجات‌های عربی برای عموم قابل فهم نیست و در نتیجه فایده‌ای معنوی به همراه ندارد. در حالی که خواندن و شنیدن مناجات‌های فارسی چون برای مخاطب ایرانی کاملاً مفهومی است، خود به خود در ترکیه نفس ایشان، نقش پر رنگ تری بازی می‌کند.

مجموعه برنامه برگ سبز را داوود پیرنیا به نام ذبیحی کلید زد. نخستین برنامه، با شعری از هاتلف اصفهانی با ترجیع بند یکی هست و هیچ نیست جز او، وحده لاله الا هو در مثنوی سه گاه همراه با دلگمه آقای پیمان اجرا شد. رنگ سبز در فرهنگ ایرانی، نماد سیادت محسوب می‌شود و سید بودن ذبیحی، دلیل این نامگذاری بوده است. پیرنیا اعتقاد داشت: این از آن برگ سبزهایی است که هیچ گاه زرد نمی‌شود.